

جشنواره در کلیدواژه‌ها



در جهان امروز، تقریباً در همه نظام‌های آموزش و پرورش، متمرکز یا غیرمتمرکز، فرایند یاددهی یادگیری بر محور برنامه درسی که در کتاب‌های درسی و منابع آموزشی کمکی تبلور می‌یابد، صورت می‌پذیرد. در کشور ما، به دلایل گوناگون فرهنگی و اجتماعی، این بار سنگین، سال‌های متمادی بر دوش کتاب‌های درسی قرار داشته است که به صورت متمرکز از سوی سازمان پژوهش منتشر می‌شده است. وجود کتاب‌های درسی واحد، شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه که طبقات گوناگون را به تحصیلات دانشگاهی تشویق می‌کرد، و نبود امکانات کافی برای پاسخ‌گویی به سیل گسترده مشتاقان، منجر به تشدید رقابت‌های آموزشی و متعاقب آن رواج انواع کتاب‌ها و آزمون‌های کمکی به منظور گذر از مانع کنکور شد. کتاب‌هایی که بی‌توجه به حداقل اصول یاددهی یادگیری و حتی چهارچوب‌های ظاهری و فنی قابل قبول، در شمارگان انبوه و صرفاً با هدف فرونشاندن تقاضای بازار، منتشر می‌شدند و نه تنها با رویکردهای تعلیم و تربیت همسویی و هم‌نوایی نداشتند که اغلب در تضاد با آن‌ها بودند، آموزش و پرورش را واداشت تا پا در میدان بگذارد و بکوشد به وضعیت این کتاب‌ها سر و سامانی بخشد و جشنواره کتاب رشد این چنین شکل گرفت. امروز که دست‌به‌کار برگزاری شانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشدیم، مروری بر بیابانه‌های دبیر جشنواره و گروه‌های داوری آن، خصوصاً در شش دوره اخیر که دامنه داوری‌ها، همه دوره‌های آموزشی و حتی پیش‌دبستانی و کودکان استثنایی را دربرمی‌گرفته است، خالی از فایده نیست. این بیابانه‌ها به‌واقع آینه‌ای هستند که انتظارات آموزش و پرورش و سازمان پژوهش را به عنوان متولی برنامه‌ریزی رسمی این نهاد برمی‌تابند. آشکار است که تماشای تمام دغدغه‌های دست‌اندرکاران و داوران، در مجال این مقاله میسر نیست و ناگزیر باید به نکات عمده و کلیدواژه‌های اصلی بسنده کرد.

سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مهم‌ترین سند بالادستی نظام تعلیم و تربیت کشور است که هفت سال از ابلاغ آن سپری شده است. توجه به این سند و اصول و رویکردهای آن، از سوی پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشی، از محورهای مورد تأکید در دوره‌های مختلف جشنواره بوده است: «با تصویب سند تحول بنیادین نظام آموزشی، فصل تازه‌ای در مسیر سرعت‌بخشی و تثبیت و تعمیق یادگیری و تربیت دانش‌آموزان گشوده شده است. به تبع آن سند برنامه درسی ملی نیز به عنوان راهنمای فرایند یاددهی یادگیری، رویکردهای نوینی را برای تولید محتوای آموزشی و تربیتی مناسب ترسیم کرده است. توجه به همه ابعاد وجودی و ساحت‌های تربیتی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های درون و برون مدرسه‌ای، از جمله این جهت‌گیری‌هاست که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان متولی اصلی محتوای آموزشی، خود را مکلف به اجرای آن می‌داند.» (جشنواره دهم)

همسویی با رویکردهای برنامه درسی

همسویی پدیدآورندگان و ناشران با اصول، رویکردها و هدف‌های برنامه درسی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اهداف جشنواره کتاب رشد بوده است. تدوین راهنماهای تولید کتاب‌های آموزشی، از نخستین جشنواره‌ها آغاز شد. پس از تصویب سند تحول و به تبع آن برنامه درسی ملی، بازتولید راهنماهای پیشین و در موضوعات تازه، تدوین راهنماهای جدید در دستور کار قرار گرفت؛ و البته پیش از تدوین این راهنماها یا هم‌زمان با آن‌ها، برنامه‌های متعدد برای آشنایی ناشران و پدیدآورندگان با رویکردهای جدید برنامه درسی ترتیب یافت.

در هر حال، داوران همواره انتظار داشته‌اند، پدیدآورندگان

کتاب‌های آموزشی، خصوصاً کتاب‌های کمک‌درسی که مستقیماً برای دانش‌آموزان تدوین می‌شوند، پیش از تدوین کتاب، برنامه درسی مربوط را و اگر نمی‌توانند دست کم این راهنماها را که در وبگاه سامان کتاب در دسترس همگان قرار دارد، از نظر بگذرانند. در بیابانه‌های جشنواره، ناشران و نویسندگان به طور مکرر از رویکرد حافظه‌محوری پرهیز داده شده‌اند. مکرر از آن‌ها خواسته شده است ضمن پرهیز از طرح مباحث نامناسب با سطح ذهنی، به اصل تنوع قالب‌ها و تنوع شیوه‌ها اهتمام ورزند و در این مسیر، به جای تولید کتاب کمک‌درسی، به تدوین بسته آموزشی بیندیشند که متضمن قالب‌های غیرمکتوب نیز هست: «خواهش ما این است ناشران در تولید سایر اجزای بسته آموزشی همت بیشتری به خرج دهند.» (جشنواره سیزدهم) «مروزه حوزه‌های تازه و جدیدی مانند تفکر و پژوهش، کار و فن‌آوری و آموزش‌های مربوط به مهارت‌ها و سبک زندگی بسترهای تازه‌ای را در این زمینه گشوده‌اند... این حوزه‌های جدید قالب‌ها و سبک‌های جدیدی را می‌طلبند که باید با دقت و هوشمندی مورد توجه ناشران قرار گیرد.» (جشنواره یازدهم)

تألیف و فرهنگ بومی

یکی از سیاست‌هایی که در جشنواره‌های کتاب رشد، به‌صورت مستمر دنبال شده است، تشویق ناشران به سرمایه‌گذاری بر تولید آثار تألیفی به جای آثار ترجمه‌ای بوده است. آثار ترجمه‌ای آب و رنگ بهتر و در نتیجه در جلب توجه مخاطب قدرت بیشتری دارند و هزینه تمام شده تولید آن‌ها در مقایسه با آثار تألیفی کمتر است؛ اما حقیقت آن است که مسائل مطرح شده در بیشتر آن‌ها، به این دلیل که در زمینه فرهنگی متفاوت و برای مخاطبی دیگر نوشته شده‌اند، آثاری را که باید و شاید، برجا نمی‌گذارند و ضمن آن که به نیاز مخاطب ایرانی پاسخی درخور

نمی‌دهند، ممکن است آثار تربیتی سوء نیز در پی داشته باشند. بنابراین کتاب تألیفی، خصوصاً اگر مقدمات تدوین آن صحیح طی شده باشد، با حال و هوای دانش‌آموز ایرانی به مراتب سازگارتر خواهد بود.

جشنواره در تشویق معلمان به تألیف، تا بدان‌جا پیش‌رفت که در دوره یازدهم، جایزه آن‌ها را به دو برابر مقدار معمول افزایش داد و دبیر جشنواره با اشاره به این اتفاق مبارک گفت: «توجه ما بیشتر معطوف به معلمانی بوده است که گنج در دست دارند و به عنوان معلم رسمی آموزش و پرورش، با حضور در کلاس درس، ارتباط مستقیمی با دانش‌آموز، مدرسه و کلاس درس دارند.»

البته این بدان معنی نیست که تمام آثار ترجمه شده نامناسب‌اند. هم در روند ارزیابی مستمر کتاب‌ها و هم در داوری‌های جشنواره نسبت به کتاب‌های خوب ترجمه، واکنش مثبت و درخور نشان داده شده است. گرچه کوشیده شده، در شرایط برابر، کفه ترازوی داوری به نفع آثار تألیفی سنگینی کند.

خلاقیت و نوآوری

از دیگر توصیه‌های همیشگی داوران، به ناشران و نویسندگان پرهیز از تکرار مکررات است. تولید کتاب‌های مشابه پس از حوزه کمک‌درسی، در حوزه‌های مهم دینی و مذهبی، چشم‌گیر است و آثار جالب توجه و بدیع در این حوزه اندک‌شمارند. داوران کتاب‌های دینی و قرآن، ضمن انتقاد از فقر مشهود در تولیدات دینی و قرآنی خصوصاً در حوزه کودک و نوجوان، همواره از این نکته گلایه کرده‌اند که نویسندگان و ناشران این آثار از نوآوری و ورود به فضاهای جدید و استفاده از قالب‌های نو و خلاقانه و حتی از به‌کار گرفتن زبان و ادبیات تازه نپرهیزند: «... گویی برای انتقال مفاهیم قرآنی فقط باید از زبان وعظ و خطابه استفاده کنیم. ادبیات به کار رفته در آثاری که توسط داوران بررسی شده‌اند نشانگر آن است که این موضوع نیاز به بازنگری جدی دارد و یکی از مهم‌ترین دلایلی که کتاب‌های این حوزه مورد استقبال لازم قرار نمی‌گیرند، این است که ادبیات به کار رفته در آن‌ها با مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کند.» (بیانیه دبیر جشنواره دوازدهم)

تولید بر اساس نیازسنجی

تکیه بر نیازسنجی و توجه به نیازهای مخاطب و عدم انتشار آثار با مضامین تکراری بدون مخاطب مشخص، یکی دیگر از توصیه‌های داوران در طول این سال‌ها بوده است: «داوران پس از بررسی آثار تأکید داشتند که میان محتوا و ادبیات آثار با نیازهای مخاطب ارتباط عمیقی وجود ندارد. در واقع ناشران بر اساس پژوهش و نیازسنجی دست به تولید آثار نمی‌زنند.» (جشنواره دوازدهم)

کنکور

کنکور زدگی و توجه مفرط به فوت و فن‌های تست‌زنی، به قیمت بی‌توجهی به یادگیری عمیق، مؤثر و پایدار یکی از گلایه‌های پیوسته داوران جشنواره بوده است که در بیانیه دبیر جشنواره نیز نمود و بازتاب یافته است: «متأسفانه انتشار کتاب‌های حل‌المسائل ... به‌گونه‌ای است که خود فریاد می‌زنند هدفشان سودجویی است و معلوم است که دردی از فرهنگ و آموزش و پرورش دوا نخواهند کرد.» (جشنواره یازدهم)

این کتاب‌ها ضمن آن‌که روح‌گرسنه و تشنه دانش‌آموز را به معنای واقعی سیر و سیراب نمی‌کنند، به تدریج ذائقه‌ها را تغییر و ذهن‌ها را به پخته‌خواری، تنبلی و فعالیت‌های حافظه‌مدارانه بی‌ارزش و

سطحی، عادت می‌دهند و مانع از شکوفایی توانایی‌های مخاطب می‌شوند و دریغاً که در این مسیر، خانواده‌ها نیز ندانسته با موج تبلیغات همراه و به دست خود موجب نابودی استعدادهای فرزندان می‌شوند: «متأسفیم که در جامعه، بازاری با عنوان بازار کتاب‌های کمک‌درسی وجود دارد که توسط تبلیغات گسترده حمایت می‌شود. ذائقه دانش‌آموز به شکل بیمارگونه‌ای به این بازار معطوف می‌شود و اولیا هم از این موضوع حمایت می‌کنند.» (جشنواره چهاردهم) و اگر در سال‌های پایانی دوره متوسطه دوم، این رویکرد به بهانه ورود به آموزش عالی توجیه می‌شود، برای ترویج این شیوه‌ها در سال‌های پایین‌تر چه دلیلی می‌توان تراشید؟ دبیر جشنواره کتاب رشد، در سال ۱۳۹۶ در جشنواره پانزدهم با اشاره به گسترش دامنه استفاده از کتاب‌های نامناسب کمک‌درسی به پایه‌های پایین‌تر و از جمله دوره‌های ابتدایی، تذکر می‌دهد که تداوم این جریان با اهداف وزارت آموزش و پرورش مغایرت قطعی دارد و قابل چشم‌پوشی نیست. و اتفاقاً دیری نمی‌پاید که آموزش و پرورش مجبور می‌شود راه‌ها را برای ورود کتاب‌های کمک‌درسی به مدارس ابتدایی سد سازد. پیش از آن نیز مشفقانه از ناشران خواسته شده بود با همراهی و همکاری هم، خود عرصه را بر سودجویان تنگ کنند و دریغاً این اتفاق رخ نداد. در همین زمینه، موضوع خودداری رسانه‌ها از تبلیغ کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی نامناسب نیز قابل ذکر است که به شکل مکرر طرح شده است.

توجه به ظرافت‌های فنی و هنری

داوران، افزون بر دغدغه‌هایی که درباره محتوا و سازمان‌دهی آن دارند، در بسیاری از بیانیه‌های خود ناشران کتاب‌های آموزشی را به استفاده از ظرفیت‌های گرافیکی و استانداردهای فنی و زیباشناسانه فراخوانده‌اند. تردید نیست که یکی از رازهای جذابیت آثار فرنگی در همین نکته است که آن‌ها در تولید کتاب از انواع ظرفیت‌های هنری و فنی مانند طراحی جلد، تصویرگری، گرافیک، صفحه‌آرایی و حتی قطع و صحافی و بهره می‌گیرند. این موضوع در جشنواره‌های متعدد و از جمله در جشنواره یازدهم مورد تأکید قرار گرفته است.

کوشش برای خرید کتاب‌های مناسب

داوران جشنواره در کنار انتظاراتی که از ناشران و نویسندگان برشمرده‌اند، مکرر بر حمایت و پشتیبانی از کتاب‌های خوب و مناسب از طرق مختلف از جمله معرفی آن‌ها در کتاب‌های درسی و عرضه کتاب‌های مناسب در نمایشگاه‌های کتاب مدارس از سوی متولیان پای فشرده‌اند. این دغدغه هم در گفته‌های داوران و هم در بیانیه دبیر جشنواره دیده می‌شود. برای نمونه در جشنواره یازدهم از آغاز فعالیت "پخش مدرسه" به منظور تکمیل و توسعه فعالیت‌های حمایتی و در دسترس قرار دادن کتاب‌های مناسب برای خرید، در قالب نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب‌های مناسب سخن به میان می‌آید.

چنان که گفته شد، این کلیدواژه‌های تکرار شونده، بازتاب بخشی مهم از دغدغه‌های جشنواره‌ای است که در هجده سال گذشته دوام یافته است. با این آرزو که روزبه‌روز کیفیت کتاب‌های آموزشی و تربیتی در این سرزمین تعالی یابد و رونق کتاب‌های خوب و خواندن آن‌ها، عرصه را بر کتاب‌های معیوب و نامرغوب و خصوصاً گندم‌نمایان جوفروش تنگ سازد، در انتظار اتفاق‌هایی شیرین و دل‌پذیر در هفدهمین جشنواره کتاب رشد می‌مانیم.